

خرم آن نغمه که مردم بسپارند به یاد مروری بر زندگی نامه زنده یاد دکتر حمید کهرام

The song is ended, but the melody lingers on
A potted biography of Dr. Hamid Kohram

علی اصغر خلیل خلیلی*

دانشجوی کارشناسی ارشد فیزیولوژی دام گروه علوم دامی، پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران

*نویسنده مسئول: aakhalili@ut.ac.ir

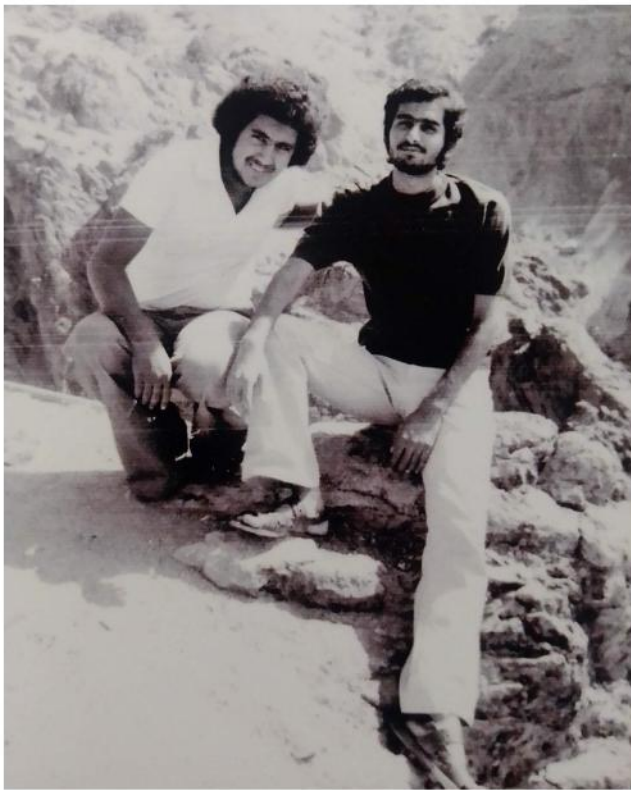


ساعات پایانی آخرین روز سال ۱۳۹۸ بود که خبری همه دانشجویان و اساتید گروه علوم دامی دانشگاه تهران را شوکه کرد. همه منتظر بودند تا آن خبر ناگوار تکذیب شود اما در کمال ناباوری خبر تأیید شد؛ دکتر حمید کهرام جهان فانی را وداع گفت و برگگی دیگر بر دفتر تلخ کامی های سال ۱۳۹۸ افزود و دل دوستداران خود را در اندوهی سترگ و جانکاه غرق کرد. در روزهایی که مردم به دلیل شیوع ویروس کرونا قرنطینه خانگی بودند، همه دلشان برای دانشگاه و اساتید و دوستان تنگ شده بود اما حسرت دیدار دوباره استاد خوش اخلاق و با محبت غم بزرگی بود. زمانی که هر روز بیش از ۱۴۰ نفر از هموطنان بر اثر ابتلا به ویروس کرونا جانشان را از دست می دادند، دکتر کهرام پیگیر مأموریت دولتی بود و احتمالاً در همین بین به این ویروس مبتلا شد و سرانجام به سوی پروردگار خویش رهسپار شد. جهت ارج نهادن و بزرگداشت آن استاد فقید، در ادامه به معرفی مختصری از دکتر حمید کهرام، عضو هیئت علمی بخش فیزیولوژی دام گروه علوم دامی پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران پرداخته می شود.

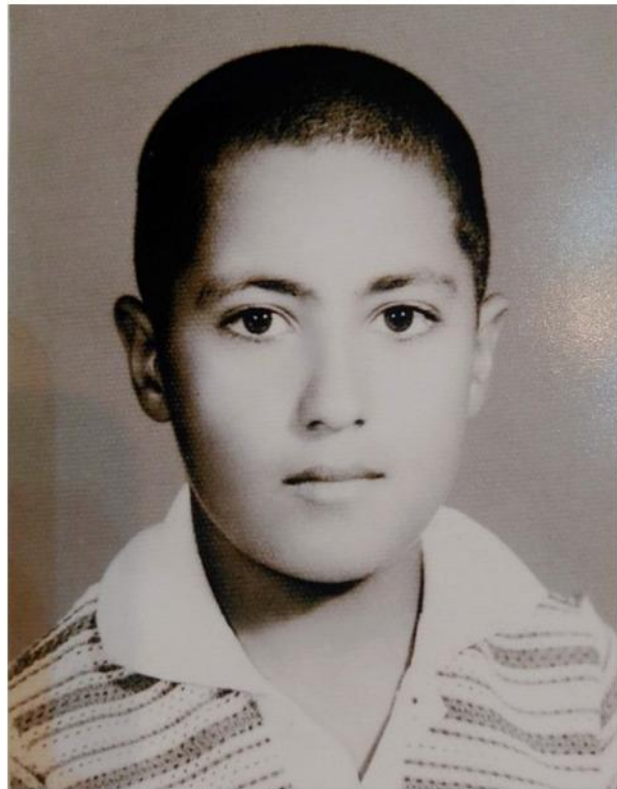
گذری بر ۶۱ سال زندگی و خدمت خالصانه

حمید کهرام در ۲۸ آذر ۱۳۳۷ در منطقه بوارده جنوبی آبادان به دنیا آمد و در سه سالگی به منطقه سیکلین اقامت کردند. پدرش کارمند اداره مخابرات بود. دوره دانش آموزی را در مدارس از جمله دبستان کمال الملک و دبیرستان انصاری گذراند و همواره جزو دانش آموزان ممتاز

و سخت کوش بود. او در دوران جوانی به ورزش شنا بسیار علاقه داشت و عضو انتخابی تیم ملی در شنای ۸۰۰ و ۱۵۰۰ متر و واترپلوی جوانان بود که نشان از سخت کوشی و پشتکار در روحیاتش دارد. وی تحصیلات دانشگاهی را در سال ۱۳۵۶ در رشته دکتری عمومی دامپزشکی دانشگاه جندی شاپور اهواز آغاز



حمید کهرام (سمت چپ)



کرد، ولی سال ۱۳۵۹ به دلیل انقلاب فرهنگی دانشگاه‌ها تعطیل شدند. او در سال ۱۳۶۱ ازدواج کرد که حاصل آن یک فرزند پسر و سه دختر شد. پس از بازگشایی دانشگاه‌ها در سال ۱۳۶۲ برای ادامه تحصیل به ناچار به دانشگاه شیراز منتقل شدند. در دوران دانشگاه به فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی علاقه داشت و حضور فعالی در حرکت‌های سیاسی و اجتماعی در پیش و پس از انقلاب، تأسیس و تشکیل انجمن اسلامی دانشجویان و نهاد جهاد دانشگاهی داشت. وی از دانشجویان مؤمن و مجاهدی بود که خدماتش در پیش از انقلاب در آگاهی‌بخشی به مردم و شکل‌گیری جریان مبارزه با رژیم ستم‌شاهی در استان خوزستان فراموش نخواهد شد.

حمید کهرام در سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷ که کشور ایران درگیر جنگ تحمیلی با عراق بود، حضور فعالی در جبهه‌های جنگ داشت و در عملیات‌هایی از جمله شکست حصر آبادان، بیت‌المقدس، فتح المبین و رمضان شرکت کرد و برادرش نیز به درجه شهادت رسید و پدرش به دست منافقین مورد ترور قرار گرفت و جانباز شد.

کهرام در سال ۱۳۶۷ در انتخابات دوره سوم مجلس شورای اسلامی کاندیدای حوزه اهواز شد و با وجود ناآشنا بودن در میان مردم، به دور دوم راه یافت ولی در نهایت از رقابت



شهید عباس مکوندی، حمید کهرام و ستار اکبرزاده

باز ماند و پس از آن در سال ۱۳۶۸ به‌عنوان مدیرکل امور بورس و دانشجویان خارج وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مشغول به کار شد. وی در سال ۱۳۷۰ برای گذراندن مقطع کارشناسی ارشد در گرایش فیزیولوژی تولیدمثل رشته علوم دامی به دانشگاه لاوال واقع در شهر کبک کشور کانادا رفت و در سال ۱۳۷۷ درجه دکتری تخصصی تولیدمثل دام را در همان دانشگاه کسب کرد. پس از پایان تحصیل در کانادا، به کشور ایران بازگشت

و به عنوان عضو هیئت علمی گروه علوم درمانگاهی دانشکده دامپزشکی دانشگاه شهید چمران اهواز مشغول به کار شد. دکتر کهرام در دوره ششم (۸۳-۷۹) مجلس شورای اسلامی به عنوان نماینده حوزه انتخابیه اهواز، از استان خوزستان در مجلس شورای اسلامی حضور داشت.



نمایندگان مردم اهواز در مجلس ششم؛ دکتر محمد کیانوش راد، دکتر حمید کهرام و دکتر جاسم شدیدزاده

وی در سال ۱۳۸۵ با توجه به نیاز به تخصص ایشان، به دعوت گروه علوم دامی به عنوان مأموریت به دانشگاه تهران منتقل شد و تا زمان حیات در این گروه به آموزش و پژوهش پرداخت. دکتر کهرام راهنمایی بیش از ۵۷ پایان نامه و رساله را بر عهده داشته است و ترجمه کتاب‌های «باروری و ناباروری در گاو شیری» و «فیزیولوژی کاربردی تولیدمثل» از وی به چاپ رسیده است. طی سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۴ و نیز ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ رئیس مؤسسه تحقیقات واکسن و سرم‌سازی رازی بوده است؛ از سال ۱۳۹۲ به بعد که مأموریت ایشان در دانشگاه تهران به پایان رسید، همچنان بدون دریافت حقوق به تدریس و پژوهش در دانشگاه تهران ادامه دادند. پس از آن در سال ۱۳۹۶ به عنوان معاون برنامه‌ریزی و اقتصادی سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی در دولت یازدهم منصوب شد. وی در انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۶ رئیس ستاد حسن روحانی در استان خوزستان بود. همچنین از دیگر سوابق دکتر حمید کهرام می‌توان به عضو شورای راهبردی توسعه استان البرز و مدیرمسئول فصلنامه دامپزشکی اشاره کرد.



دکتر حمید کهرام که در سال‌های آخر عمر با بیماری دیابت نیز دست و پنجه نرم میکرد، به دلیل ابتلا به بیماری کووید ۱۹، پس از هشت روز بستری شدن در بیمارستان فیروزگر تهران سرانجام ساعت ۱۲:۴۵ روز ۲۹ اسفند ۱۳۹۸ از دنیا رفت و در آرامگاه ابدی خود در قطعه صالحین بهشت زهراي تهران (قطعه ۲۳۲، ستون ۱۷، ردیف ۲۰) آرام گرفت. بسیاری از مسئولان و مدیران ارشد کشوری از جمله معاون اول رئیس جمهور، رئیس و نمایندگان دوره‌های مختلف مجلس شورای اسلامی، وزیر علوم و سایر اعضای کابینه دولت پس از فوت ایشان پیام تسلیت صادر کردند.

به نیکی گرای و میازار کس، ره رستگاری همین است و بس

دکتر کهرام بسیار خانوادهدوست بود؛ علیرغم مشکلات بسیار زیادی که در محیط کار با آن‌ها مواجه می‌شد اما هیچ‌گاه فرزندان و همسر او از این مسائل اطلاع نداشتند و مشغله‌های کاری خود را به محیط خانواده منتقل نمی‌کرد. وی همیشه و در هر شرایطی در خانه و محیط کار لبخند آرامش‌بخشی بر لبانش جاری بود؛ مجتبی، فرزند بزرگ دکتر کهرام در خاطرات پدر می‌گوید: زمانی که برای اولین بار با خودروی پدر تصادف کردم، خسارت زیادی به خودرو وارد شد. با ترس و لرز به پدر زنگ زدم و منتظر ماندم تا بیاید. به یاد دارم پدر از دور با لبخند آرامش‌بخش و همیشگی‌اش آمد و آن صحنه هنوز هم جلوی چشمانم است و فراموش نخواهم کرد.

حمید کهرام همیشه در محیط خانواده با فرزندان خود صحبت می‌کرد و با مشورت کردن در کارهایشان به آن‌ها انگیزه می‌داد. فاطمه و مریم، فرزندان دکتر کهرام می‌گویند

هیچ‌گاه ندیدند که پدر برای مال دنیا ناراحت شود و یکی از خاطراتی که از آن به شیرینی یاد می‌کنند آن است که تنها عکس‌العمل پدر به خسارت‌هایی که به خودروهای او در اثر تصادف وارد می‌کردند، لبخند حامیانه و پدرانانه بود.

دکتر کهرام هر جا و در هر شرایطی که بود آرام ولی پرتلاش و نترس بود؛ امیر پرهیزگار از دوستان او بیان می‌کند: حمید کهرام استاد اخلاق بود، هم در عمل و هم در کسوت استادی. سال ۵۹ (پیش از شروع جنگ) تعدادی از جوان‌های آن زمان برای آموزش تربیت مربی عقیدتی در دانشکده ادبیات دانشگاه اهواز انتخاب شدیم. اساتیدمان عبارت بودند از شهید حسین علم‌الهدی، شهید مهرداد مجدزاده، شهید علی جمال‌پور، شهید فرشاد مرعشی، شهید امیرحسین حمویی، آقای گلزاری و شادروان حمید کهرام. بعد شهادت آن عزیزان همیشه در این اندیشه بودم که چه حکمتی در شهید نشدن این دو بوده است. از قضا هر دو هم بعدها دکترا گرفتند؛ یکی شد معاون وزیر و دیگری هم شد نماینده مجلس. غافل از اینکه حمید کهرام تا یک قدمی شهادت رفته بود.

رحیم قمیشی از هم‌زمان وی در یادداشتی می‌نویسد: حمید قامتش بلندتر از همه ما بود، در هنگام عملیات راه که می‌رفت التماسش می‌کردیم کمی خم شود تا تیرهای سرگردان به سرش نخورند. خم نمی‌شد ولی نه یک تیر خورد و نه یک ترکش!

اسماعیل نویدی از دیگر هم‌زمان دکتر کهرام می‌گوید: با حمید کهرام، تیر و مرداد ۶۱ در عملیات رمضان، یک ماه هم‌سنگر بودیم. انسانی شریف، باوقار، فرهیخته، دانا، خوش‌سیرت و برای من از همه مهم‌تر فروتن و خاکسار بود. با این که در جایگاهی بود که می‌توانست در مناصب مدیریتی ادای دین کند، اما آنجا، در بیابان‌های کوشک و طلائی، لباس یک رزمنده‌ی ساده را به تن داشت و کاملاً عادی می‌نمود؛ ظرف می‌شست، سنگر را جارو می‌زد، پوتین‌ها را واکس می‌کشید، چای دم می‌کرد و طبق نوبت، غذای بچه‌های هم‌سنگر را در سفره می‌کشید و البته هم‌زمان مہیای شروع عملیات و جانبازی می‌شد. شگفت این که روزی که حمید به مرخصی رفته بود، اعلام شد گردان ما، خط‌شکن مرحله‌ی چهارم عملیات رمضان خواهد بود. تجهیزات را تحویل گرفتیم و از کنار دژ به خط مقدم اعزام شدیم. با



غروب آفتاب و استیلای سیاهی شب، آماده‌ی حرکت می‌شدیم. چهره‌ها برافروخته، شاداب و مصمم بود. بچه‌ها به گونه‌ای یکدیگر را در آغوش می‌کشیدند که گویی فردا شهید می‌شوند. جای آغوش حمید در این اوقات ناب، سخت خالی می‌نمود. حسرت‌م این بود که روزهای سخت را به آرزوی چنین شبی گذرانده بود و امروز این مرخصی لعنتی... فرمان حرکت صادر شد که ناگهان صدا و سلام حمید آمد. نمی‌دانم زمان حمله را از کجا شنیده و آدرس یگان ما را چگونه پیدا کرده بود، اما آنجا بود؛ بدون اسلحه، بدون حتی قمقمه‌ی آب در آن تابستان جهنمی و بدون این که شام خورده و یا استراحتی کرده باشد. گفتمش: بدون اسلحه و تجهیزات که نمی‌توانی بیایی، خط‌شکنیم، درگیری متقابل است. ما در دشت و آن‌ها پشت خاکریز و سنگرا گفت: تا آنجا همراهتان می‌آیم و پس از شکستن خط دشمن، سلاح آن‌ها را می‌گیرم و آمد. حمید با دست‌خالی آمد و صبح که از کنار دریاچه‌ی ماهی در شمال غربی بصره برمی‌گشتیم، سلاح در دست داشت.

دکتر اردشیر نجاتی جوارمی، استاد دانشگاه تهران که در سال ۶۷ در نیوزلند مشغول به تحصیل در مقطع کارشناسی

بود، بیان می‌کند در آن زمان آنقدر موانع و مشکلات بورسیه و اعزام به خارج دانشجویان زیاد بود که خیلی‌ها پشیمان می‌شدند؛ اما بعد از آن که کهرام به این سمت منصوب شد، آنقدر روند پیگیری کارها تسهیل‌سازی شد که دانشجویان و نخبگان بسیاری بورسیه شدند. دکتر نجاتی که سابقه آشنایی ۳۰ ساله با دکتر کهرام را دارد، معتقد است طول عمر دست ما نیست ولی عرض آن را ما می‌سازیم و دکتر کهرام زندگی با کیفیت و پربرکتی داشت.

دکتر غلامحسین خواجه، رئیس دانشگاه شهید چمران اهواز در پیام تسلیت به دوست، همکار و همکلاسی خود چنین اشاره می‌کند: کارنامه‌ی تلاش‌های علمی موفق و کوشش‌ها و خدمات پربرار اجتماعی او در موقعیت‌های گوناگون، میراث نیکوی اوست که در حافظه‌ی دوستان، دوست‌داران و شاگردان او تا همیشه به یادگار خواهد ماند.

حمید کهرام در هر مقطعی از زندگی و با وجود مسئولیت‌های متعدد کشوری، هیچ‌گاه خود را گم نکرد، به خود مغرور نشد، به اطرافیان خود تکبر نورزید و آن چنان فروتن و افتاده بود که بسیار ساده و خودمانی به نظر می‌رسید. همواره با خوش‌قلبی و دلسوزانه پیگیر مطالبات مردم بود و هرچه قول می‌داد عملی می‌شد. در محیط کار همیشه روحیه مشورتی داشت و هرچه نظر جمع بود انجام می‌داد. دکتر محمد جلوخانی دوست و همکار او بارزترین ویژگی دکتر کهرام را متفکر بودن، عشق ورزیدن به تفکر و رفتار متفکرانه می‌داند.

دکتر کهرام همیشه ممارست و تلاش بسیار زیادی برای پیشرفت دانشجویانش داشت. رفتار، اخلاق و برخورد او چنان با محبت و دلنشین بود که دانشجویان هرگز از او چهره مغرور و متکبری ندیدند و به راحتی با او به عنوان یک دوست و راهنما ارتباط برقرار می‌کردند. با وجود آن که سنگ‌اندازی‌های بسیاری در مسیر او می‌شد ولی همچنان با متانت و صلابت به راه خود ادامه می‌داد و خم به ابرو نمی‌آورد. دکتر محمد کاظمی، رئیس اداره حقوقی موسسه سرم‌سازی رازی می‌گوید دکتر کهرام بیش از ۱۴ ساعت در روز برای پیگیری امور مؤسسه وقت می‌گذاشت. علیرغم این، کسانی که با او میانه خوبی نداشتند، برایش در اداره کل تعزیرات حکومتی، دادگاه انقلاب اسلامی و دادگاه کارکنان دولت پرونده‌سازی کردند که با توفیق الهی دکتر کهرام در همه آن‌ها تبرئه شد و حتی

حکم ناحق ایشان نیز در دیوان عالی کشور (عالی‌ترین مرجع قضایی در ایران) لغو شد. زهرا، فرزند آخر دکتر کهرام می‌گوید پدر حتی اجازه نمی‌داد که مخالفان و رقبایش را بدون پیشوند «آقا» خطاب کنیم و حتی برای مخالفان خود نیز احترام قائل بود.



دکتر محمد کیانوش راد که سابقه ۴۰ سال دوستی و همکاری با دکتر کهرام را دارد می‌گوید خوبی‌های کهرام آنقدر واضح و شفاف بود که حتی مخالفانش نیز توان انکار آن را نداشتند. دکتر چینی‌پرداز نیز از ویژگی‌های شخصیتی دکتر کهرام می‌گوید: دکتر کهرام علیرغم موقعیت‌ها و مسئولیت‌های بالایی که داشت، همیشه ساده‌زیست بود و هیچ‌گاه تغییری در سطح زندگی وی ایجاد نشد و شخصیت مادی‌گرایی نداشت. خوشی و ناخوشی‌های روزگار هیچ تغییری در روحیه تلاشگر وی نداشت. هیچ وقت برای خود چیزی نخواست و صراحت، پشتکار، تلاش و فداکاری بسیار زیادی برای خدمت به مردم کشور داشت، اما هیچ‌گاه این خدمات را به رخ کسی نکشید و برای کسی بازگو نکرد.

دکتر عبدالحمید شوشتری، رئیس بخش بیماری‌های ویروسی طیور موسسه تحقیقات واکسن و سرم‌سازی رازی در آخرین خاطره خود با دکتر کهرام اشاره می‌کند: آخرین تماس ایشان با بنده اسفند ۹۸ بود. از علت تلفات تالاب میانکاله شهرستان بهشهر پرسید. گویا از او خواسته بودند موضوع را پیگیری کند. اقداماتی که در مؤسسه انجام داده بودیم و اطلاعاتی که داشتم را گزارش دادم و گفتم «تنها شباهت این بیماری با مورد مرگ پرندگان در ارس این است که علت مرگ، آنفلوآنزا نیست» و خداحافظی کرد. آخرین کار؛ آخرین وظیفه‌شناسی و آخرین خداحافظی.

و اما سخن آخر

با مروری بر زندگی دکتر حمید کهرام و اخلاق و خصوصیات وی دیدیم هر آنچه در دنیا کاشت، خوبی و مهربانی بود. کهرام در قیدوبند خودبینی نبود و خالصانه خود را وقف جامعه و مردم کرده بود؛ همزمان به خوبی نقش پدری خود را نیز برای فرزندان خویش ایفا کرد و همواره جویای احوال اقوام و خویشاوندان بود و به نیازمندان کمک می‌کرد. او در رده مدیران ارشد کشوری قرار داشت ولی از جنس و بوی انسانیت بود و گرفتار زرق و برق زندگی و مال دنیا نشد. حمید کهرام همان نام اعلای انسانیت و بزرگ‌منشی بود که این روزها نادر است و به‌سختی یافت می‌شود. به‌راستی که خداوند بندگان مخلص خویش را زودتر به‌سوی خود می‌خواند. امید است که همه دانشجویان و آینده‌سازان میهن عزیزمان ایران، ادامه‌دهنده راه و منش دکتر حمید کهرام باشند تا راه و یادش جاودانه و ماندگار شود.

تو ای عزیز سفر کرده، ای گرامی دوست
حمید نام خدا هست و نام تو از اوست
چه زود رفتی و کوچیدی از جهان کهرام
اگرچه لذت یادت چو سکر میی سبوست
چگونه باورمان گردد این نبودن تو؟
که خاطرات تو با ما همیشه رویاروست
که گفته می‌رود از دل اگر ز دیده برفت
کسی؟ به خدا، حرف، حرف لغو و مگوست
به قول سعدی شیرین سخن به دل مهری است
به روزگار نشسته است بر دلم ای دوست
شعر: مسعود جعفرزاده

